

آسیب های زندگی مدرنیته در تربیت فرزند

مجید باغنده^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۲

چکیده

تغییر و تحولات در زندگی بشر معطوف به نوع مناسبات و آداب و رسوم فضای حاکم بر زندگی انسانها در جهت تغییر بوده است. هدف از تغییرات جدید و مدرن در جهت مثبت و پیشرفت خانواده‌ها بوده است. این پیشرفت در جهت آسان تر کردن امور زندگی بشر عمدتاً دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی را به وجود آورد. تحول و دگرگونی به گونه‌ای بوده که امروزه شاهد تحول عظیمی در عرصه بینش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها در خانواده هستیم. فرزندان زندگی مدرنیته که جزو لاینفک خانواده هستند، از این تحولات و دگرگونی‌ها مستثنی نبوده و آنها هم از این تحولات و دگرگونی‌ها مورد هجوم آسیب‌ها قرار گرفتند. این مقاله با هدف آسیب‌های زندگی مدرنیته در تربیت فرزند انجام شد. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کیفی بوده و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. آسیب‌های زندگی مدرنیته در این تحقیق در هفت بعد تربیت اخلاقی، تربیت اعتقادی، تربیت عاطفی، تربیت جسمی، تربیت عقلی و شناختی، تربیت مهارتی، و تربیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژگان: زندگی مدرنیته، تربیت، فرزند، آسیب.

مقدمه

از آغازین روزهای حیات بشری بر زمین به تدریج تغییر و تحولات گوناگونی بر ساختار خانواده و نوع مناسبات و فضای حاکم بر خانواده و نیز چگونگی توجه به ارزش‌ها و آداب و رسوم موجود بر خانواده رخ داده و عمدتاً دگرگونی‌های (فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و...) هر جامعه همواره خانواده را با خود همراه نموده به گونه‌ای که امروزه شاهد تحوّل عظیمی در عرصه بینش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها در خانواده هستیم. آنچه که بیش از هر چیز، خانواده امروزی را از خود متأثر نموده، ورود مدرنیته به فضای زندگی فردی و اجتماعی انسانها و تأثیر گذاری آن بر فرد، خانواده و جامعه است.

مدرنیته عبارت است از مجموعه اوصاف و خصایص تمدن جدیدی که در طی چندین قرن اخیر در اروپا و آمریکای شمالی سر برآورد، همچنین مدرنیته می‌تواند برای دوره تاریخی خاصی نیز به کار رود (جوکار، گذری کوتاه بر تأثیر مدرنیسم بر خانواده، ۱۳۹۱: ص ۴). زندگی مدرنیته نیز به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا پیدا شد و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی رخ داد و همه آحاد مردم با آن درگیر شدند و جزئی از زندگی انسانها شد.

بسیاری از ناسازگاری‌ها، انحرافات و آسیب‌های زندگی مدرنیته در تربیت فرزند متأثر از روش غلط تربیتی والدین و مربیان در نوع زندگی مدرنیته است. اشتباهات دست اندرکاران تربیتی درسهای بدی برای فرزندان داشته و باعث زحمت یک عمر برای تربیت آنان می‌شود (قائمی، تربیت و بازسازی کودک، ۱۳۸۲: ص ۲۱۸). فرزندان همچون آینه‌ای در برابر شخصیت‌ها، پدیده‌ها، موجودات و حتی اشیاء قرار دارند و از روبروی خود الگو می‌گیرند تا جائیکه رشد فکر و عقل و یافتن تجارب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرزندان زندگی مدرن برای داشتن یک زندگی نرمال و اجتماع‌پسند نیازمند الگو و عمل به گفته‌ها، رفتارهای الگویی می‌باشند.

زندگی مدرنیته باعث تغییر و تحوّل در زندگی ما شده است به ویژه این تغییر و تحوّل، اثر خود را بر تربیت کودکان گذاشته که برخی از این تحولات مثبت و برخی منفی می‌باشند و ما در این مقاله در پی شناخت آسیب‌های زندگی مدرنیته در تربیت فرزند می‌باشیم. نوع روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی است که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

آسیب‌های زندگی مدرنیته

شایان ذکر است که اندک پیامد مثبت زندگی مدرنیته در تمامی زوایای زندگی بشری خاصه تربیت فرزند ما را وادار به تسلیم زندگی مدرنیته نکند، زندگی مدرنیته به مثل فرصتهای مسکن و آرامش بخش کوتاه مدت می‌باشند، اگر چه آسیبهای زندگی مدرنیته بیش از این موارد هستند؛ ولی در این مقاله به اندازه وسع و آشنایی با این آسیبها به برخی از موارد می‌پردازیم.

(۱) از منظر تربیت اخلاقی

در بعد اخلاقی به لطف تمدن جدید به عنوان مدرنیته در کشورهای غربی به خصوص در ایالات متحده به عنوان مدرنیته الگوی بسیاری از ملتها حتی در کنار گذاشتن اخلاق و روی آوردن به مسائل جنسی و و رهایی از اخلاقیات تا آنجا پیشرفت، که دیگر خوب از بد و رفتار مناسب از نامناسب باز شناخت نمی‌شود.

در ادامه نمونه‌هایی از آسیب‌های مدرنیته از منظر تربیت اخلاقی بیان می‌گردد:

تجمل‌گرایی

تجمل‌گرایی یعنی تمایل و گرایش به آراسته شدن و تجملات نقطه مقابل ارزش فرهنگی ساده زیستی و قناعت در جامعه می‌باشد (نهادندی، خزینه الجواهر فی زینه المنابر، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۲۵۸).

متأسفانه کانال‌ها و شبکه‌های ارتباطی، اجناس و کالاهای تجملاتی را به رخ بشریت کشیده است. نکته نگران کننده این است که ترویج تجمل‌گرایی را در کودکان و فرزندان

با اصرار بر این نکته از سوی والدین بدون در نظر گرفتن آثار مخرب فرهنگی و آینده نگری فرزند صورت می گیرد.

به جهت گستردگی و غیرکنترل بودن شبکه‌های اجتماعی و تمدن نوظهور مدرنیته، فرزندان بجهت تنوع محصولات خارجی و به ظاهر قیمت مناسب (به جهت اینکه از مبادی رسمی کشور وارد نمی‌شوند و اغلب بصورت قاچاق وارد می‌شوند) تمایل به پوشش البسه خارجی دارند.

خشونت گرایی

یکی از اصلی ترین شبکه‌های مورد علاقه فرزندان در رسانه، برنامه‌هایی با محتوی خشن است.

بشر بنا بر اقتضائات خود از خشونت و تندی و درشتی بیزار و گریزان است و آنجا که این امور از هر شخصی ظهور کند، روابط لطیف و انسانی، دوستی و همراهی رنگ می‌بازد و مردم از گرداگرد او می‌گریزند. یکی از رذایل اخلاقی که در همه نوع بشری رسوخ کرده، این خصیلت نامبارک است، کوچک و بزرگ و پیرو جوان و مرد وزن نمی‌شناسد و همه را درگیر خود کرده و به جرات می‌توان گفت که راه حل، با مهارت خاصی و تمرین و ممارست و دقت از آن نجات پیدا کرد تا از آسیب‌های آن در امان ماند.

تماشای فیلم‌ها و بازی‌های کامپیوتری خاصه اینترنتی که دارای ترویج خشونت گرایی هستند قطعاً اثرات منفی زیادی را برای فرزندان بوجود می‌آورد، از جمله: از بین رفتن لطافت کودکانه، تقلید نمایی از صحنه‌های خشن، از بین رفتن قبح خشونت، و انجام خشونت در زندگی واقعی.

فرار از مسؤلیت

مسئولیت پذیری از خصوصیت‌هایی است که تاثیر زیادی در موفقیت افراد دارد، یک نوع عادت یا الزام درونی و اخلاقی است که فرد را به انجام صحیح و شایسته کارها ترغیب می‌کند. در نقش‌های اجتماعی قبول مسؤلیت اساس یک نظام اجتماعی را تشکیل

می‌دهد. زمانی که از مزایا و حقوق یک نقش اجتماعی بهره‌مند می‌شویم، نمی‌توان در زمان پاسخگویی از زیر بار مسئولیت‌ها فرار کرد.

مسئولیت‌گریزی از نقص‌هایی که در جامعه وجود دارد منعکس می‌شود و جریان اجتماعی شدن به طور کامل تحقق نیافته و افراد برای انجام آن‌ها آمادگی لازم را پیدا نکرده‌اند و از حقوق و وظایف نقش‌های خود درک کاملی نداشته‌اند.

اگر شخصی خود را از وضعیت دشوار مسئولیت و انجام کار بیرون بکشد و یا مشکلات ایجاد شده در روند کاری را به گردن شخص دیگری بیندازد، زرنگی و چابکی آن شخص را به نمایش می‌گذارد و این گاهی بیشتر از قبول مسئولیت برای شخص ارزش و اعتبار اجتماعی به همراه می‌آورد و این طرز تلقی در قالب ژن فرهنگی به اعضای جدید جامعه انتقال داده می‌شود (برانندن تاتانیل، مسئولیت‌پذیری، ص ۱۹۸).

از آنجایی که فرزندان بسیاری از عادات و رفتارهای خود را در مرحله آغازین زندگی از طریق تقلید از والدین و اعضای خانواده بدست می‌آورند، وظیفه والدین در شناساندن مسوئیت و عدم فرار از مسوئیت بسیار حیاتی و مهم است. از عللی که می‌توان گفت فرزندان در زندگی مدرنیته از مسوئیت فراری هستند، ترس از مواجهه شدن با آن و عدم موفقیت در صورت پدرش مسوئیت است. اگرچه در بین اعضای خانواده یک نوع تقسیم کار اولیه لازم است، والدین می‌توانند از این موقعیت استفاده کرده و از دادن مسوئیت‌های کوچک فرزندان را با این پدیده آشنا کرده و راهنمایی لازم را در مراحل بعدی بکار گیرند.

تکبر و خودپسندی

امروزه مدرنیته و به تبع آن پیشرفت در عرصه ارتباطات و تکنولوژی با وجود فوایدی که دارد، سبب شده است دهکده‌ای جهانی در فضای مجازی به وجود بیاید که امروزه افراد از سراسر دنیا زندگی خود را در فضای مجازی به نمایش می‌گذارند. البته این نمایش، بسیار با زندگی حقیقی آنها متفاوت است و افراد سعی می‌کنند در فضای مجازی تصویری زیبا و بی نقص از زندگی خود ارائه دهند. این افراد با نمایشی از زندگی خود در فضای مجازی

دنبال کننده‌هایی را به خود جذب می‌کنند. به همین دلیل خود را از دیگران برتر می‌دانند و چنین می‌پندارند که حتماً از دیگران بهتر بوده‌اند که به چنین محبوبیتی رسیده‌اند. از سوی دیگر، چنانچه معضلات اجتماعی و نابسامانی‌های رفتارهای فردی با دقت مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد معلوم می‌شود که ریشه بسیاری از گرفتاری‌های موجود، تکبر و خودخواهی متکبران و تحقیر و کوچک انگاری دیگران توسط آنهاست.

سوءظن به دیگران

ظنّ سوء که همان گمان نزدیک به یقین است، به گونه‌ای که موجب تمایل نفس به قبول آن شود؛ به این معنی که گمان بد را به دل راه دهد و به آن معتقد شود. لکن مجرد گذشتن چیزی به خطور در ذهن، ظن مذموم و ناپسند نیست و وجه تمایز سوءظن از صرف خطور امری به ذهن، این است که به واسطه سوءظن تغییری در دل، احساس می‌شود. امروزه در نتیجه مدرنیته، در فضای مجازی فضایی فراهم شده است که افراد با مشاهده زندگی دیگران می‌توانند در مورد دیگران قضاوت کنند و حتی این سوءظن را به مرحله عمل رسانده و در بخش نظرات و کامنت‌ها آن را بیان کنند. فضایی که هیچ نظارتی بر آن نیست و به افراد اجازه هرگونه نفرت پراکنی را می‌دهند.

(۲) از منظر تربیت اعتقادی

یکی از الطاف تمدن جدید و امروزی در بعد اعتقادی، بحث آزادی بیان است، اینکه در بیان اعتقادات همه آزاد هستند. با ظهور تمدن امروزی و زندگی مدرنیته از اهداف پیلد دشمنان اینست که با ترویج انسان محوری و اومانیسیم در برابر خدا محوری با استفاده از رسانه‌ها و ابزارهای نوین جنگ نرم، ملت‌های مستقل خاصه کشور عزیز ما و جوانان و فرزندان ما را در زیر سلطه خود دهند. در ادامه آسیب‌های زندگی مدرنیته از منظر تربیت اعتقادی بیان می‌گردد:

ترس از مرگ

از بزرگترین اقسام خوف ترس از مرگ است. با آنکه مرگ امری طبیعی است و فرار از آن برای احدی میسر نیست و با عمومیتی که دارد از تمام اقسام خوف، زیادتر و سخت تر است (امین نصرت، اخلاق و راه سعادت، ۱۳۸۴: ص ۳۴۰). ترس از مردن ناشی از جهل و حقیقت مرگ است. کسی که حقیقت و معنای مرگ را نداند و نمی‌داند که پس از مرگ به کجا خواهد رفت، گمان می‌کند که با مردن و پوسیدن جسد حقیقت و ذات او هم فانی و معدوم گشته و با از بین رفتن ظاهری او نیز تمام شده است.

از دیگر مشکلات زندگی مدرنیته پایه تفکری اومانسیم (انسان محوری) است که همه چیز را در این دنیای مادی و خاکی خلاصه کردند و ریشه ایمان به خدا را عقل و فطرت نمی‌دانند، بلکه ریشه ایمان به خدا را، ترس میدانند. یعنی انسان چون خود را در برابر حوادث عاجز می‌بیند، هنگام بروز حادثه تلخی قدرتی را در ذهن خود متصور می‌کند و به آن پناه می‌برد. فلذا مادیون ایمان را زاییده ترس می‌دانند. اما اشتباه آنان اینست که تفاوت رفتن به سوی خدا را با اصل ایمان به خدا را نمی‌فهمند (قرائتی، دقایقی با قرآن، ۱۳۹۲: ص ۱۴۴).

تفکر اومانسیم اعتقادی به عالم برزخ و قیامت ندارد و کسی که وارد چنین زندگی و تفکری شود دچار چنین اشتباه بزرگی می‌شود که با مردن او همه چیز در حق او تمام شده است. در صورتی که دین مبین اسلام هدف از آفرینش این دنیا و خلقت انسانها را در این دنیا خلاصه نکرده است. انسان می‌تواند خودش را از زندان محیط و اجتماع و نیز خودپرستی و تکبر و خودخواهی‌ها آزاد سازد، انسان در وجود خویش یک سلسله دارایی‌هایی دارد که به پشتوانه آنها می‌تواند خویش را از انحصار و تنگنای جهانی که در آن زندگی می‌کند برهاند و بالاتر از این جهان مادی بیندیشد (رهنمایی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۶: ص ۷۵).

بی‌خدایی و انس نداشتن با خدا

انسان بدون خداوند انسان کامل نیست، بلکه موجودی نیازمند است در درجه نخست هم به توجه خداوند عالم نیاز دارد (رهنمایی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۶: ص ۷۸). انسان

براساس طبیعت خود اجتماعی و مدنی می‌باشد و برای کارهای روزمره خود به دیگر افراد نیازمند است.

از دیگر آسیب‌های زندگی مدرن ایجاد یک نوع خلاء در وجود انسان و احساس تنهایی است که با وجود این احساس شخص دچار بی‌هویتی و پوچی می‌کند و هدف از خلقت و وجود خودش را بیهوده می‌داند. ولی منابع اصیل اسلامی هدف از خلقت انسان را اینگونه تفسیر نکرده و هر انسانی اگر به خدایش توجه کند و برای شناخت خود بکوشد، در وجود خود یک ندای درونی و فطری بسیار آشکاری را احساس می‌کند. انسان وقتی با کسی مانوس می‌شود، احساس آرامش به او دست می‌دهد. خطری که در اینجا همه علی‌الخصوص فرزندان را تهدید می‌کند، این است که به چه کسی یا چیزی خود را مانوس کنیم؟ آیا مدرنیته با فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای و... می‌تواند موفق باشد، یا آن خدای باری تعالی که در نفس انسان، امنیت و آرامش را قرار داده است. بی‌شک ذکر خدا موجب درمان اضطرابات بشری و احساسات عجز و ناتوانی و تنهایی بشریت در برابر فشارها و تهدیدات و خطرات زندگی می‌گردد.

-نداشتن معیارهای اعتقادی منطقی

از بزرگترین مسولیت‌های والدین در مورد تربیت فرزند احیا روحیه دینی و خداشناسی است. باید پیش از آنکه فرزندان ما مورد تهاجم تبلیغی دشمنان قرار گیرند تا اذهان آنان را مسموم و با اشکالات و شبهات پیرامون مبدا و معاد در وجود آنها رسوخ کنند و قلبشان را قبل از آنکه به وسیله گناه سخت شود، به فرزندان خود کمک کنیم (حسینی ادیانی، آشنایی با نظام تربیتی اسلام، ۱۳۹۸: ص ۱۶۱).

در سن نوجوانی آنچه مهم است آسیب مدرنیته برگرفته از فضای غبار آلود مجازی و دیگر اسباب و علت مدرنیته در نداشتن معیارهای اعتقادی منطقی است. فرزندان در این سن بطور فطری مایلند که از مبداء عالم باخبر شوند و خداوند خالق را بشناسند و پرستش کنند (همان، ص ۱۶۰). آنان تمایل طبیعی به پاکی و فضیلت و سجایای اخلاقی را دارا و

علاقمند هستند. اگر در این مرحله حساس دقت نشود و تحت تاثیر فضای مدرنیته شوند، انگیزه‌های فطری و کششهای روانی آنها را تحت تاثیر خود قرار داده و آنها را به انحراف کشانده و از فضایل اخلاقی و سجایای انسانی فاصله می‌گیرند؛ چرا که بنیان مدرنیته بر اساس اومانسیم است و این خطری جدی تلقی می‌گردد.

در فضای به ظاهر مدرن امروز تلاش می‌شود که کودکان و نوجوانان به این باور برسند که هر چیز انسان می‌پندارد و باور دارد درست است و انسان تعیین کننده خوبی و بدی است و هر کس هر روش زندگی را انتخاب کند درست است و نمی‌توان به افراد خرده گرفت که روش زندگی ایشان غلط است.

عدم امید به آینده

هر یک از ما در طول زندگی خود به کرات شاهد افرادی بوده‌ایم که از زندگی خود ناراضی و نسبت به فردای خود نا امیدند. این افراد وقتی به گذشته می‌نگرند با حجمی از کارهای انجام نشده مواجه می‌شوند که تنها به دلیل نداشتن برنامه و امید به آینده موفق به انجام آن نشده‌اند.

به هر حال، بخش مهمی از زندگی، مواجه شدن با حوادث تلخ و ناامیدی هاست. داشتن برنامه و هدف کمک می‌کند که حتی اگر در مراحل به بن بست برسیم، بتوانیم دوباره راهی را که در آن متوقف شده بودیم، ادامه دهیم. در حالی که اگر بی هدف و برنامه باشیم، سرگردانی و ناامیدی بیشتر می‌تواند بر ما غلبه کند.

یکی از تمایلاتی که در دوره جوانی شدت بروز می‌کند و موجب سرپیچی نوجوانان از روشهای بزرگسالان می‌گردد، علاقه به تخیلات و تصورات افسانه‌ای است. این خیال پردازی آنچنان در اعماق روح جوانان اثر می‌گذارد و آنان را به علام خواب می‌برد که از درک حقایق زندگی و واقعیت‌های عینی باز می‌دارد. علاقه به تخیلات و امید به آینده‌ی روشن و شیرین از مقدرات حکیمانه پروردگار جهانیان است (همان، ص ۱۶۵).

تخیلات در حد مصلحت و همچنان که نیروی خلاقانه را در جوانان به کار می‌اندازد، باید باید به امور ممکن و شدنی تعلق بگیرد؛ ولی گاهی با تاسی از ابزارهای زندگی مدرن و مقایسه خود با دیگران به امور ناشدنی و آرزوهای بیجا و خارج از مصلحت و ضرورت عشق می‌ورزند و آنها را به عالم خواب و خیال می‌کشاند و بطور کلی آنها را از واقعیت‌های زندگی دور می‌سازند.

والدین ضمن بیان کردن برنامه‌های مدون خود در مورد ساینده فرزندان و ترسیم راه آنان با معیارهای واقعی و هدفمند و راهنمایی و مدیریت آنان گامی بزرگ در عدم امید به فرزندان برمی‌دارند. اگر این حالت روانی در مسیر درست قرار نگیرد، فرزندان را به مخالفت و سرکشی از نظام زندگی می‌کشاند و نیروها، ظرفیت‌ها و توانایی خود را که سرشار از شرایط مساعد و خوشبختی و سعادت است به رایگان از دست می‌دهد (همان، ص ۱۶۵).

۳) ازمنظر تربیت عاطفی

در بعد عاطفی نیز مدرنیته به صرف در دسترس بودن همدلی و آزادی با ابزارهایی در صدد تغییر سلیقه و ذائقه زندگی خانواده‌ها برآمده و با شیوه‌های نوین و به روز خود در حال تضعیف خانواده‌ها و فرزندان می‌باشد. در ادامه آسیب‌های زندگی مدرنیته از منظر تربیت عاطفی ارائه می‌گردد:

افسردگی

افسردگی ارمغان دنیای مدرن است. افسردگی حالتی خلقی شامل بی‌حوصلگی و گریز از فعالیت یا بی‌علاقگی و بی‌میلی است و می‌تواند بر افکار، رفتار، احساسات و خوشی و تندرستی یک فرد تأثیر بگذارد. و همچنین گفت و گوهای ذهنی به وجود می‌آورد. یکی از مهم‌ترین اختلالات افسردگی به‌ویژه در وضعیت پیشرفته، ازدست‌دادن قدرت تفکر سالم، راحت، خلاقانه یا حتی درست تمرکز کردن است که در مراتب بالاتر و در افسردگی‌های حاد، اختلال تشدید می‌شود و باعث مواردی مثل جنون می‌شود. افسردگی یک بیماری نامرئی است که اگر درمان نشود انسان را به تمام شدن زندگی و ادار می‌کند.

تصور ما از یک آدم افسرده، آدمی است که لبخند بر لب ندارد و تنها به یک نقطه خیره می ماند و خود را از خورد و خوراک و فعالیت های روزانه محروم می سازد. دنیای مدرن و هر آنچه که اسباب و لوازم آن به حساب می آیند با تمام شعار های رنگارنگ برای زندگی بهتر و رسیدن به آرزوها و... تنها یک فریب بود، فریبی که از دل آن انسانهایی مغموم و افسرده دل بوجود آورد. دنیای شگفت انگیز مدرن همه چیز را در اختیار راحتی و رفاه انسان قرار داده ولی با این امکانات مثل تماس تصویری و در کسری از ثانیه رصد خبری در دورترین مناطق جهان و... اضطراب و افسردگی را به ارمغان آورده است. اکنون به بخشی از علائم دنیایی که دنیای شگفت انگیز مدرن در عین رفاه و آرامش ظاهری را از انسان گرفت، اشاره خواهیم کرد:

فردباوری

همه چیز در فرد و دستاوردهای او خلاصه شده است ارزشی برای جامعه و گروه نیست در دنیای مدرن فرد معمولی هیچگونه ارزشی ندارد و دستاوردهای فرد جایگاه و ارزشش را نشان می دهند.

رسانه: رسانه در دنیای مدرن جایگاه ویژه و عظیمی دارد و بخشی از زندگی ما را اشغال کرده است. روال کار رسانه توجه انسانها به چیزهایی که باعث نگرانی و دلهره و ترس و خشمگین شدن آنها می انجامد، و شانسی را برای کنش شخصی موثر باقی نمی گذارد و افراد را تحت تاثیر خود قرار داده است.

استرس

استرس مشکلی است که بسیاری از افراد با آن سروکار دارند، بارها و بارها می بینیم که مردم به دلیل فشارهایی که به عنوان بخشی از زندگی مدرن با آن مواجهه هستند احساس غرق شدن می کنند.

اینکه زندگی مدرنیته چطور باعث استرس می شود به بخشی از آنها اشاره می کنم:

تلاش برای کار بیش از حد؛ والدین با تاسی از شبکه‌های اجتماعی جعبه‌های شکلات زیبا برای خوراکی‌های مدرسه فرزندان تهیه می‌کنند. وبلاگ نویسان، شبکه‌های اجتماعی گرداندن، تناسب اندام و سبک زندگی که در عرض چند هفته بدن خود را ساختن و هر لحظه از روز ثمره زحمات خود را به رخ کشیدن که چه استرس و اضطرابی را برای افراد بوجود می‌آورد و مشکل اینجاست که فریب خوردیم چند کار متفاوت را هم زمان انجام می‌دهیم و نگاهی به کیفیت زندگی نکرده‌ایم. در دنیای مجازی دائماً افراد به شکل یک انسان بی نقص و همه چیز تمام به نمایش گذاشته می‌شود انسانی که از تمام زوایا فردی موفق و مرفه است. افراد با دیدن این نمایش احساس می‌کنند که از دیگران عقب مانده‌اند و دائم در تلاش بیهوده‌ای هستند که خودشان را در موقعیت برابر با آنها قرار دهند. در دنیای مدرن امروز مد هرروزه تغییر می‌کند و افراد جامعه نیز در تلاش اند که خود را با آن هماهنگ کنند اما هیچگاه این تلاش کردن‌های بیهوده به پایان نمی‌رسد و افراد دائماً در استرس و اضطراب هماهنگی با مد هستند.

اولویت بندی نکردن؛ در کنار تلاش برای انجام کارهای بیش از حد، کمبود اولویت بندی وجود دارد که منجر به احساس کشیده شدن به جهات مختلف در زندگی بدون تمرکز هدف یا هدف واقعی می‌شود، و این کار می‌تواند منجر به احساس عدم موفقیت یا موفقیت شود.

مکانیسم ضعیف رها سازی استرس؛ استرس بخشی اجتناب ناپذیر از یک زندگی پر مشغله و مدرن است. متأسفانه از آنجایی که بسیاری از افراد از نظر زمانی کمبود دارند، در مکانیسم رها سازی استرس ضعیف عمل کرده و به سراغ نوشیدنی‌های الکلی، مصرف مقداری کافئین یا شکر، خوردن غذاهای راحت کننده و چرب رفته و از شیوه جایگزین آنها مثلاً یک روز در هفته را به پیاد روی طولانی و کوه نوردی، مطالعه کتاب و افزایش حالت آرامش استفاده نمی‌کنند. (همان).

انزوا طلبی

انزوطلبی، در لغت به معنی تنهایی و در خلوت نشستن و از جمع کناره گرفتن است و در اصطلاح، عارضه‌ای است که باعث می‌شود کودک و نوجوان از برقرار کردن ارتباط با افراد و محیط خارج دوری کند. از آنجایی که انسان موجودی مدنی است، گوشه‌گیری و انزوا روح انسان را به شدت آزار می‌دهد. به گفته جامعه‌شناسان مطالعاتی که در این مورد به عمل آمده است حاکی است که انزوا اثر بدی بر روح افراد گذاشته و در آنان افسردگی و یأس، توهم و در غالب اوقات تولید اختلال روانی می‌کند (مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۴۶۱).

زندگی مدرن با تکیه بر اومانیسم در صدد رضایت افراد است. از دل این زندگی مدرنیته ترجیح شخص بر اجتماع و جامعه باعث منزوی شدن انسانها گردیده است. مدرنیته باعث شده است که والدین اعم از پدر و مادر هر دو برای داشتن زندگی‌ای ایده آل مدرنیته بی‌وقفه کارکنند و فرزندان در خانه تنهایی‌شان را با موبایل و بازی‌های رایانه‌ای پر کنند. از طرفی خانواده‌ها فرزندآوری را مانع پیشرفت و ترقی می‌دانند و به تک فرزندی روی آوردند. همه اینها باعث می‌شوند که کودک و نوجوان گوشه‌گیر و منزوی باشد.

این مورد از جمله مواردی است که آسیب جدی برای فرزندان است و منجر می‌شود که کودک از حضور در فعالیت‌های جمعی سر باز زند و فقط با تک‌دوست خود که نوعاً به او بسیار وابسته می‌شود، اوقات خود را سپری کند و به صورت افراطی سعی در جدا شدن از دیگران دارد. در فعالیت‌های گروهی، همکاری و مشارکت لازم را ندارد و یا از شرکت در بازی‌های دسته‌جمعی خودداری می‌کند و از جهت کلامی در عین آنکه قادر به تکلم و صحبت می‌باشد، کمتر رابطه برقرار می‌کند و در بیان خواسته‌ها و نظرات خود در بین دیگران، توانایی و کفایت لازم را ندارد. لذا رفتار فوق یکی از جدی‌ترین مشکلات کودکان و نوجوانان می‌باشد (احمدی، روان‌شناسی نوجوان و جوانان، ۱۳۶۹: ص ۲۵). والدین باید توجه کافی به این مسئله را داشته باشند که اوقاتی را برای فرزندان قرار دهند و واسطه در

مهارت ارتباطی فرزندان باشند و آنان را با جامعه و افراد آشنا کنند و از خطرات انزوا و گوشه‌گیری فرزندان خود را ایمن سازند.

خواسته‌های غیر منطقی

عمده‌ترین مانع سعادت انسان و عامل سقوط او در درون او است. (علیزاده، اخلاق اسلامی، ۱۳۹۰: ص ۵۵). انسان هم ظرفیت رشد و کمال را در درون خود دارد و هم عامل سقوط و پستی و شقاوت را که از آن به هوای نفس یاد کرده‌اند را دارا می‌باشد.

ویژگی اندیشه غربی گرایش به سکولار است و سکولار نتیجه مدرنیته اصل لذت و اصل آزادی غیر منطقی خواسته‌ها و کشاندن فرزندان به این سمت و سو است.

فرو رفتن در خواسته‌ها و پیروی از گرایشهای نفسانی، گاهی به حد اسراف به تذبذب و اتراف منجر می‌شود. مترف یعنی عیاش مغروری که برای زندگی مفهومی قائل نیست مگر زندگی دنیوی، و سعادت نمی‌بیند مگر وسیع تر کردن نعمتهای دنیوی، اعم از ثروت و ریاست و قدرت. گاهی به این حد هم نمی‌رسد ولی باز هم نکوهیده است، چرا که موجب شکست و سستی در عبادت می‌گردد. در چنین تراحمی حکم عقلی می‌گوید لذا باید مادی را محدود سازیم و تلاش برای رسیدن به حد کمال و لذت معنوی را در خود بوجود آوریم. (همان).

از آنجایی که فرزندان هم جزو انسانها هستند از این قاعده مستثنی نبوده و آسیبها در نسل جدید از فرزندان هم وجود دارد. مدرنیته روش فرزند پروری‌ای را تبلیغ می‌کند که باید به آنها اجازه هر تجربه‌ای را داد و نباید سخت‌گیری نسبت به آن‌ها کرد. باید اجازه داد که آنها خودشان مسیرشان را انتخاب کنند. این موضوع که ما نسبت به کودک سخت‌گیری‌های لازم را نداشته باشیم، عدم دقت در راهنمایی‌ها و بی‌توجهی به اصول ارزشی، باعث بوجود آمدن خواسته‌های نامعقول و غیر منطقی در فرزندان می‌شود.

در خصوص آسیبهای ناشی از مدرنیته در انتخابها، معیارها، رفتارها و خواسته‌های غیر منطقی فرزندان، والدین نیز ضمن درک احساسات و هیجانات فرزندان، فضای ابزارهای

مدرنیته را رصد کرده و با همراهی و همیاری و همکاری مسالمت آمیز خود از روشهای جایگزین و سالم استفاده کرده و فرزندان خود را در استفاده صحیح از ابزارها راهنمایی کنند.

درد و غم شدید

در دنیای مدرن غم و رنج جایگاهی ندارد و انسان می تواند با اختیار خود همیشه شاد و خوشبخت باشد، در صورتی که رنج بخشی جدا نشدنی از زندگی انسان است. این نگاه مدرنیته، سبب می شود که انسان آمادگی رویارویی با رنج های زندگی اش را نداشته باشد و نتواند در آن برهه تصمیم درستی بگیرد و به ناکامی بینجامد. (زرین، افسردگی ارمغان دنیای مدرن، ۱۴۰۰).

فرزندان در دنیای مدرن از این آسیب در امان نیستند، غم و اندوه نقطه شروع افسردگی است. در کودکان بسیار خردسال که نمی توانند احساسات و یا افکار خود را با کلمات بیان کنند، براساس رفتارهای او افسردگی سنجیده می شود. کودک دنیای مدرن از دست دادن دوستان و عزیزان را مثل بازی های مدرن می پندارد و از محلی به محل دیگر را نمی تواند درک کند، احساس فشار روانی مدرسه را نمی تواند تحمل کند و هر کدام از این موارد و مشابه زمینه ای می شوند برای غم و اندوه و شروع افسردگی.

۴) از منظر تربیت جسمی

در بعد جسمی نیز زندگی مدرنیته تاثیراتی را در تربیت فرزند داشته که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود:

احساس خستگی مداوم

مدرنیته باعث شده است که افراد برای به دست آوردن آرزوهای دوری که همین مدرنیته برای آنها ایجاد کرده است سخت تلاش کنند و کمتر استراحت کنند. شب ها مشغول بازی های رایانه ای، تلویزیون و فضای مجازی باشند و دیروقت بخوابند، بیشتر پشت میز هستند یا در حال کار کردن با موبایل خود بی تحرک اند و ورزش در زندگی افراد جایی ندارد. به دلیل مشغله های زیاد دائماً از فست فود استفاده می کنند که همه اینها بیانگر یک سبک زندگی

ناسالم است. این سبک زندگی پر از استرس و مشغله سبب شده است افراد وقت کمتری با خانواده و همسالانشان بگذرانند که همین موضوع سبب به خطر افتادن روان افراد می‌شود. از عوامل خستگی شدید در کودکان و فرزندان زندگی مدرن می‌توان به سوء تغذیه، سبک زندگی کم تحرک، کمبود خواب اشاره کرد.

ظهور تمایلات افراطی جسمی و ارضای افراط گونه آنها

بسیاری از کارهای خوب و یا بد و اخلاق و روحیات فاضله و یا رذیله، ریشه در تمایلات و احساسات جوانان دارد (حسینی ادیانی، آشنایی با نظام تربیتی اسلام، ۱۳۹۸: ص ۱۷۴).

بزرگترین قدرت محرک بشر تمایلات بشری است و نیرومندترین عامل تهییج و جنبش انسانها به سوی خوبی ها و کسب مکارم اخلاقی و یا به سوی پلیدی ها و ناپاکی ها و رذایل اخلاقی می‌باشد. غریزه جنسی به عنوان یکی از مهمترین غرایز بشر، عامل بقای نسل آدمی است. تاریخ بشر گویای آن است که انسان در جهت تولید مثل به آمیزش جنسی نیازمند بوده و به جنس مخالف تمایل دارد. غریزه جنسی در دوران بلوغ و نوجوانی با گرایش به جنس مخالف، بروز می‌کند و به معنای میل فطری، روانی و بالاخره فیزیکی است که به جهت خاصی فرد را به حرکت درمی‌آورد و به «رفتار جنسی» می‌انجامد.

آنچه که فرزندان زندگی مدرن را تهدید می‌کند رویارویی و مواجهه با این تمایلات، خاصه تمایلات افراطی و ارضای افراط گونه تمایلات است. والدین و مربیان تربیتی بایستی ضمن بیان اینکه این تمایلات را خدای متعال در وجود انسانها قرار داده و راه و رسم برطرف کردن صحیح این نیازها و تمایلات را در کتب دینی و احادیث اهل‌البیت (علیه السلام) هم بیان کرده است، در مواجهه با این آسیب‌ها روش درست را انتخاب کنند.

بی‌خوابی- بدخوابی- خواب آلودگی

بزرگسالان تنها کسانی نیستند که گاهی اوقات دچار مشکلات خواب می‌شوند. این پدیده به کودکان هم سرایت کرده است. مدرنیته باعث شده است کودکان و نوجوانان تا

پاسی از شب مشغول فضای مجازی و تلویزیون باشند. آنها در طول روز با موبایل و تلویزیون سرو کار دارند و حتی در رخت خواب هم موبایل را با خود می‌برند. همین موضوع باعث ایجاد اختلال در خوابشان شده است. این گونه تغییرات منفی در ساختار خواب می‌تواند به پیامدهای روانی - اجتماعی مانند خلق افسرده، مشکلات رفتاری و هم چنین مشکلات تحصیلی بیانجامد. با وجود این که میزان خواب مورد نیاز در دوران نوجوانی کاهش نمی‌یابد، اما نوجوانان عموماً کمتر از ۲/۹ ساعت (میزان مطلوب خواب مورد نیاز) می‌خوابند.

مشکلات دستگاه گوارشی

دستگاه گوارش مجموعه‌ای از اندام‌های توخالی است که از دهان تا مقعد به یکدیگر متصل هستند. اندام‌هایی که دستگاه گوارش شما را تشکیل می‌دهند، به ترتیبی که به هم متصل می‌شوند، شامل دهان، مری، معده، روده کوچک، روده بزرگ و مقعد هستند. در زندگی مدرن به جهت کمبود وقت و اینکه والدین مشغول به امرار معاش زندگی هستند. بعضی از خانواده‌ها از غذاهای بسته بندی و آماده استفاده می‌کنند. در حقیقت همه غذاهای بسته بندی و آماده باید از رژیم غذایی کودکان دارای مشکلات گوارشی و حتی بدون مشکل گوارشی حذف شوند. این غذاها حاوی بسیاری از مواد مضر مانند چربی‌های ترانس و مواد نگهدارنده هستند که می‌تواند با هضم غذا تداخل داشته باشد و کار سوخت و ساز بدن به کندی پیش برود. بهترین راه استفاده از غذاهای طبیعی و خانگی است.

کم تحرکی و چاقی

یکی از مهمترین مراحل تربیت پذیری انسانها دوره کودکی است (حسینی ادیانی، آشنایی با نظام تربیتی اسلام، ۱۳۹۸: ص ۱۳۰). از جمله مشکلاتی که زندگی مدرن برای فرزندان به ارمغان آورده است کم تحرکی و چاقی است. بیماری‌های مزمن اغلب عوارضی دارند که این عوارض باعث کاهش طول عمر فرد می‌شوند که یکی از آن بیماری‌های مزمن چاقی است (کلاهدوزان، درمان چاقی، ۱۳۸۷: ص ۱).

پزشکان بسیاری از امراض زندگی امروزی را پر خوری می‌دانند. خصوصا در حال حاضر که تلاش‌های جسمی کم شده و ماشین جایگزین نیروی انسانی شده است. این آپارتمان نشینی و عدم تحرک خاصه در فرزندان موجب جمع شدن چربیها در بدن گردیده و کانونی از عفونت را به همراه می‌آورد، کار قلب و کلیه را مشکل کرده و بطور کلی سنگینی و ناتوانی بدن را به همراه دارد.

برخی از مواد غذایی زیان آور زندگی مدرن که باید مورد توجه قرار گیرد عبارتند از: پیتزا، اسنک، سوسیس، کالباس، ته دیگ غذاها، شیرینی تر و خشک، انواع نوشابه، سانديس، کمپوت، و انواع تنقلات مثل چیپس و پفک و... (کلاهدوزان، درمان چاقی، ۱۳۸۷: ص ۷۱).

۵) از منظر تربیت عقلی و شناختی

در بعد عقلی نیز مدرنیته با اتکا به رشد و افزایش معلومات که از اهداف بشر جامعه امروزی است، تاثیراتی را بر بشر گذاشته است. خطر اصلی در این نوع بعد، به جهت عدم تحقیق در مورد صحت یا سقم خبریا معلومات، تضعیف و یا از کار انداختن قوه تبیین است. در ادامه آسیب های زندگی مدرنیته از منظر تربیت عقلی و شناختی ارائه می‌شود:

- ابهام در هویت خود

"هویت" تفاوتی است که بین خود و دیگران قائل می‌شوید. تلاش برای هویت یابی بین نوجوانان نسل امروز و گذشته یکسان نیست. در زمان گذشته، والدین در شکل گیری هویت نوجوان سهم مهمی داشتند، اما امروز رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بیشترین سهم را در شکل گیری هویت نوجوان دارند. برخی نوجوانان هویت خود را مثبت و برخی منفی ارزیابی می‌کنند.

انسان موجودی آزاد و رهاست. همین قدر که خود را به چیزی بست، آزادی و رهایی از او گرفته شده است (مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲۳، ص ۳۰۸). زندگی مدرن با اعتقاد بر اینکه انسان باید آزاد، مطلق و رها باشد، یک آسیبی را به آسیبها

اضافه کرد، ابهام در هویت برای فرزندان و دیگر آحاد اجتماع. اینکه هدف از بدنیا آمدن چه بوده؟ تعلقات دنیایی چقدر ارزش دارد؟ در کنار دیگران چه وظایفی بر عهده او است و... والدین و مربیان ضمن تبیین ارزشهای والای انسانی برگرفته از قرآن کریم و احادیث اهل البیت (علیه السلام) فرزندان را در مرحله هویت با دیدگاه و سرشت انسانی آشنا سازند و آنان را از ابهام هویتی برگرفته از ابزارهای مدرن نجات دهند.

زود باوری و عدم تفکر صحیح

بنه و ریشه ذات و خمیر مایه وجودی انسان در قدرت تفکر است. افراد سطحی نگر، بسیار زود باورند و به راحتی می توان فضای ذهنی آنها را اشغال کرد و زمام اندیشه شان را به دست گرفت. آنها به دلیل اینکه به معضلات هر مساله توجه ندارند و از تجربه و تحلیل عمیق و همه جانبه مسایل زندگی عاجزند، به سرعت و به سهولت، به یقین و اطمینان می رسند. زود باوری و دیر باوری از یک جنس هستند و هر دو دوروی یک سکه هستند که عامل اصلی اینها غیر واقع بینی است. دیر باوری و زود باوری در واقع تحریفی از شناخت است. شناخت از محیط خودمان و تحریف اطلاعاتی که به مغز ما می رسد. یعنی یا واقعیت را نمی پذیریم و یا اینکه همه چیز را با راست و دروغش می پذیریم. مدرنیته در تربیت فرزند در این قسمت هم خوب عمل نکرد. با دادن اطلاعات بیش از حد و نیاز و خبرهای آمیخته از راست و دروغ و سوء استفاده از سادگی فرزندان در برابر افراد دوست و شمن و هموار نمودن رسیدن به هوا و هوس و شتابزدگی فرزندان، قدرت تفکر صحیح را از فرزندان گرفته و این خطر بسیار جدی برای فرزندان تلقی می گردد.

احساسات هیجانی غیر قابل کنترل

نسل امروز فرزندان مزیت ها دارد و عیب ها؛ چرا که این نسل ادراکات و احساساتی دارد که در نسل گذشته نبوده است. در عین حال یک انحراف فکری و اخلاقی دارد و باید آنها را چاره کرد (مطهری، ده گفتار، ۱۳۸۸: ص ۲۱۸).

خشم، غم، اضطراب و ترس از جمله هیجانات و انواع احساسات است که هر فردی در طول زندگی خود تجربه می‌کند. هر کسی ممکن است در برهه‌ای از زمان قادر به کنترل احساسات خود نباشد، و اگر این احساسات و هیجانات را کنترل نکند می‌تواند سلامت جسمی و روانی او را مختل کند.

هیجان زدگی شدید در موقعیت‌های مختلف، متفاوت است. به عنوان مثال، در مدرسه برخی از کودکان نمی‌توانند منتظر بمانند که اسم‌شان را صدا بزنند. حتی هنگامی که دیگران در حال صحبت هستند، مدام دست‌هایشان را بالا می‌برند و بلند صحبت می‌کنند.

از تاثیرات زندگی مدرن هیجان زدگی شدید برای فرزندان است که اگر کنترل نشود خطرات بسیار زیادی برای فرزندان را در پی دارد. معمولاً کسانی که بیشتر فیلم‌های ترسناک و خشن نگاه می‌کنند، دچار این نوع هیجانات می‌شوند. والدین باید مراقبت بیشتری نسبت به فرزندان در استفاده از لوازم مدرنیته را داشته باشند.

اختلال در قوه تمرکز حواس

حواس پرتی ناتوانی برای تمرکز توجه است. حواس پرتی یا منشاء ذهنی و درونی دارد و یا منشاء بیرونی و محیطی. حواس پرتی درونی و ذهنی عبارت است از اشکالات فکری انسان و اندیشه‌هایی که موانعی بر سر راه توجه دقیق به مطالعه و تمرکز حواس ایجاد می‌کنند. این موقع شامل مواردی از قبیل: درد، رنج، غم و غصه، نگرانی، گرسنگی و تشنگی، سردی و گرمی، ترس و خشم و شادی، سردرد و ... می‌باشد. حواس پرتی بیرونی و محیطی عبارت است از آنچه که به محیط پیرامون فرد ارتباط پیدا می‌کند و یا تحریکات غیر عادی که توسط حواس مختلف انسان ایجاد می‌شوند مانند نور شدید و نور ضعیف، صداهای ناهنجار، روشن بودن رسانه‌ای صوتی و تصویری و نظایر این‌ها ممکن است فرآیند تمرکز حواس را با اشکال مواجه کنند.

رهایی از حواس پرتی و ایجاد تمرکز حواس در افراد مختلف، متفاوت است و به حالت درونی، تجربه‌ها مکان و موقعیت آن‌ها بستگی دارد. تمرکز حواس یعنی عوامل حواس پرتی را به حداقل رساندن که این خود مستلزم رعایت نکاتی است.

اتفاق افتاده که فرزندان ما در حال تماشای برنامه مورد علاقه خود است و هرچه او را صدا می‌زنیم متوجه نمی‌شود و یا دائماً جای لباسهای خودش را از مادر میپرسد که کجا هستند و یا تمرکز دقیق در درس ندارد و... که بخاطر مدرنیته بودن فرزند در فرآیند تحصیلی استفاده از کتابهای کمک درسی و مشغول شدن به فیلم‌هایی که هیچ فایده‌ای برای او ندارند خطرناکی متوجه او شده که تمرکز درستی ندارد. فلذا والدین گرامی سعی در برطرف کردن این مشکل و معضل داشته باشند.

فراموشکاری و تضعیف حافظه کوتاه مدت

حافظه کوتاه مدت ما همان بخشی از مغز است که مسئول به یادآوری اتفاقات اخیر است. این حافظه که می‌تواند در مدت زمان کوتاه سی ثانیه‌ای تا مدت زمانی چند روزه ساخته شود به نام حافظه اصلی یا حافظه فعال هم شناخته می‌شود. گاه‌آ به دلیل‌های مختلفی حافظه کوتاه مدت ما دچار اختلال شده و ما نمی‌توانیم برخی یا همه اتفاقات اخیر را به راحتی به یاد بیاوریم و یکی دیگر از آسیب‌های زندگی مدرنیته تضعیف حافظه کوتاه مدت است.

۶) از منظر تربیت مهارتی

متأسفانه زندگی مدرنیته مهارتهایی به فرزندان می‌آموزد که نفع چندانی را به فرزندان و نسل جدید بوجود نمی‌آورد: مثل انواع بازی‌های کامپیوتری خاصه از نوع اینترنتی و با ارائه بازی‌های بدون زمان چیزی جز اتلاف وقت را برای فرزندان و خانواده‌ها بوجود نمی‌آورد. در ادامه آسیب‌های زندگی مدرنیته از منظر تربیت مهارتی ارائه می‌شود:

عدم مهارت در کنترل نگرانی و ترس

ترس از ارزیابی منفی به عنوان نگرانی بیش از حد از پیش بینی و انتظار ارزیابی‌های بین‌فردی منفی تعریف می‌شود که افراد با ترس از ارزیابی منفی اضطراب زیادی را در موقعیت‌های اجتماعی تجربه کرده و تلاش می‌کنند که از رویارو شدن با موقعیت‌های اجتماعی که آنها را تهدیدآمیز می‌دانند، اجتناب کنند.

در افراد با ترس کم از ارزیابی منفی، محرومیت اجتماعی برای توجه به علائم پذیرش اجتماعی انگیزه می‌دهد، اما افراد با ترس از ارزیابی بالا، انگیزه‌ای برای انجام این کار وجود ندارد؛ دلواپسی، تسلیم، مطیع بودن و اجتناب اجتماعی با ترس از ارزیابی منفی مرتبط هستند. از دیگر آسیب‌های زندگی مدنیته در تربیت فرزند، ترس از ارزیابی مثبت است که به احساس نگرانی از ارزیابی مثبت دیگران از فرد و پریشانی بیش از حد ناشی از این ارزیابی‌ها اشاره دارد. ترس از ارزیابی مثبت به طور مستقل از ترس از ارزیابی منفی، سهم معناداری از واریانس عاطفه منفی در موقعیت‌های خاص اجتماعی، افکار خودکار منفی در تعامل‌های اجتماعی، خودآگاهی و آمادگی برای پریشانی را پیش‌بینی می‌کند و در نهایت ارزیابی مثبت دیگران از آنها منجر به شکست خواهد شد.

عدم مهارت در رونق بخشیدن به ارتباطات خویشاوندان

ارتباط اجتماعی یکی از راه‌های اساسی در به کمال رسیدن انسانها است. بسیاری از دستاوردهای بشری از جمله نیازهای عالی انسانها، شکوفا شدن استعدادها و خلاقیت‌ها در گرو تعامل فرد با اجتماع است. ولی مدرنیته برگرفته از اومانیزم و فردگرایی خطراتی را برای فرزندان بوجود آورده است.

از آنجایی که بعضی کودکان و نوجوانان اغلب در تعاملات اجتماعی مناسب با بزرگسالان و همسالان دچار مشکل می‌شوند و از روبرو شدن با واقعیت و برقراری رابطه صمیمانه با دیگران مضطرب شده و از بودن در موقعیت‌های جدید اجتماعی خودداری می‌-ورزند؛ دچار اندوه و پریشانی فراوان گردیده و در صورت تعامل با دوستان و نزدیکان نیز همین احساس را دارند. آنان معمولاً مهارت‌های ضروری برای آغاز تعاملات مثبت و هدفمند

با دیگران و نیز تداوم آن را ندارند. آنها مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی را خودبه خود یاد نمی‌گیرند و مهارت‌ها را باید به آنها آموزش داد تا از این طریق بتوانند از ترس خود درمورد ارزیابی دیگران و اجتناب از موقعیت‌های مختلف بکاهند.

عدم مهارت در برطرف کردن نیازهای اولیه خود

برنامه ریزی صحیح برای ارتقای سلامت با ارزیابی نیازهای فردی و اجتماعی آغاز می‌گردد. نیازسنجی در حقیقت سنگ زیرین برنامه‌های ارتقای سلامت است و هر قدر این سنگ زیرین بنیانی تر و مستحکم تر باشد، بنای آن محکمتر و آسیب ناپذیرتر خواهد بود.

نیازهای روانی- عاطفی از جمله بارزترین نیازهای نوجوانان است که در حال حاضر توجه دولتها، سازمانها و مؤسسات فرهنگی- اجتماعی را به خود جلب کرده است؛ به طوری که تلاش می‌کنند تا در قالب برنامه‌های مختلف، طیف وسیعی از این نیازها را پاسخ دهند. با اینکه دولتها و سازمانها و... درصد تلاش برای برنامه‌های اجتماعی برای فرزندان در تلاش هستند؛ ولی برخی از نیازهای اولیه در دوران مدرن تحت تأثیر لوازم و اسباب آن قرار گرفت که برخی نیازهای سالم زیستن را تحت تأثیر خود قرار داده است.

عدم مهارت در انجام تکالیف و وظایف محوله

دوران نوجوانی زمان ارزشمندی برای یادگیری مسئولیت پذیری اجتماعی است، زیرا در این دوران است که فرد دوست دارد استقلال بیشتری داشته باشد و باید تصمیماتی درباره برخی از ارزش‌ها و روش‌های رفتاری خود بگیرد. یکی از عوامل اصلی که بتواند به انتخابهای نوجوانان پختگی ببخشد، میزان مسئولیت آن‌ها در کارهای شخصی و اجتماعی است (آتش پور، واقعیت‌هایی برای خانواده، ۱۳۸۹: ص ۴۵). تنها با آگاهی از علت‌های یک انتخاب و اراده برای پذیرش مسئولیت این انتخاب است که افراد می‌توانند به دنبال تغییر شرایط، دیدگاه‌ها، و نتایج آنها باشند و گرنه کوشش برای تغییر بی معناست و احساس بی‌قدرتی و انفعال، فرد را از اصلاح در زندگی خود باز خواهد داشت.

قبول مسئولیت بزرگترین مرحله کمال انسانی است. افراد کوشا و مسئولیت پذیر، همواره به انجام وظایف اهمیت کافی می‌دهند و در کمک به دیگران پیش قدم اند. بشر بدون قبول مسئولیت نمی‌تواند رشد کند و برای موفقیت باید مسئولیت بپذیرد. او پایداری در کوشش و انجام وظیفه را از صفات بارز فرد مسئولیت پذیر می‌داند. با توجه به اینکه احساس مسئولیت بیانگر نوعی نگرش و مهارت است، مانند هر نوع نگرش و مهارتی، آموختنی و اکتسابی است.

والدین در این زمینه هم باید کنار فرزندان خود باشند و آنها را برای مسولیت‌های آینده آماده کنند. بهترین راه حل دادن مسولیت‌های کوچک با توجه به اقتضائات سنی آنها می‌باشد که بسیار تاثیر گذار است.

(۷) از منظر تربیت اجتماعی

در بعد اجتماعی نیز مدرنیته آسیب‌هایی را در تربیت فرزند گذاشته که در ادامه به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

عدم اعتماد به نفس

اعتماد به نفس یعنی باور کردن به همه‌ی توانایی‌های خود و این باور در اثر شناخت مناسب از خود، به وجود می‌آید. در نتیجه عدم اعتماد به نفس، به میزان شناخت فرد از خود، وابسته است.

اعتماد به نفس و استقلال شخصیت نشانه بروز استعدادهای درونی است و با این خوی پسندیده، باعث محبوبیت در بین دیگر افراد جامعه می‌گردد. تا مادامی که دانش آموزی توانایی‌ها و استعدادهای ذاتی خود را نشناسد و به خود شناسی در حیطه‌ی قابلیت‌های خویش نرسد، خود را باور خواهد کرد و نتیجتاً به اعتماد به نفس مطلوب دست نخواهد یافت.

والدین وظیفه شناس باید فرزندان را در دنیای مدرن، آنچنان مستقل و با اراده بار بیاورند تا بتوانند با عزت نفس و آبرومندی زندگی کنند، این چنین تربیت یکی از حقوق فرزند بر والدین است.

ترس از پذیرش مسؤلیت

حوزه مسؤلیت انسان شامل مسؤلیت فردی، خانوادگی، اجتماعی، نزدیکان، و مسؤلیت در برابر عهد و پیمان الهی است (فرهادیان، مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، ۱۳۷۸: ص ۵۱-۵۲). تناسب تکلیف با توان فرد و عمل به تکالیف از جمله نکات مهم در جهت افزایش مسؤلیت است. تناسب تکلیف با ظرفیت و توان نوجوان از بروز احساس شکست در او جلوگیری می‌کند؛ احساسی که منجر به تسلیم شدن و سلب مسؤلیت فرد می‌شود.

در حوزه عمل قرار گرفتن نیز موجب افزایش حس مسؤلیت شده، یک احساس ارزشمند و عشق را در دل انسان پدید می‌آورد، اما قرار گرفتن در دایره «آرزوها»، به بی‌اعتنایی نسبت به پذیرش مسؤلیت و سلب اختیار و در نتیجه، «شکست» می‌انجامد؛ شکستی که احساس بی‌ارزشی را در پی دارد. (ساسانی، راهنمایی و مشاوره در نهج البلاغه، ۱۳۸۲: ص ۱۳۶).

امروزه متأسفانه والدین مدرن، نتوانستند این ترس از پذیرش مسؤلیت را در فرزندان خود دور کنند. با وجود سبک زندگی مدرن والدین سعی در برآورده شدن نیازهای مادی فرزندان خود دارند. اما برای فرزندان، هیچ لذتی بالاتر از احساس نیرومندی، قدرتمندی و رسیدن به استقلال نیست و خوشحالی خود را در گرو قدرت خود و به انجام رساندن اهداف عملی خود نشان می‌دهند.

ضعف در ارتباط با خویشاوند

مشارکت در امور گروه و یا جامعه می‌تواند منجر به افزایش احساس تعلق به گروه و یا جامعه شود. زیرا زمانی که افراد تماس‌های مکرر و گسترده با یکدیگر داشته باشند، دل

مشغولی‌ها و منافع مشترک و پیوندهای عاطفی آنها را به یکدیگر نزدیک می‌کند و احساس تعلق ناشی از این پیوندها باعث می‌شود آنها از خودشان برای گروه و یا جامعه مایه بگذارند. فلذا والدین ضمن برقراری ارتباط با خویشاوندان و همراه نمودن فرزندان با خود در این امر مهم و حیاتی صله رحم، از آثار مهم حفظ روابط خویشاوندی و صله رحم برگرفته از آیات و روایات اهل‌البیت (علیه السلام) بازگو کنند و آنان در این مسیر سفارش کنند.

تحت تاثیر پذیری فضای مجازی و القاءات فضای مجازی

گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه فرزندان و والدین نیز تغییراتی به وجود آورده است که از جمله آن، به: کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزند، شکاف نسلی به دلیل رشد فناوری، از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین و ایستادن در برابر یکی از والدین یا هر دو را می‌توان نام برد. در بحث ازدواج‌ها نیز به مسائلی چون ناپایداری ازدواج‌ها، تغییر الگوی همسرگزینی، نداشتن مهارت‌هایی برای ازدواج و ناتوانی والدین برای آموزش به فرزندان، افزایش روابط دختر و پسر در زمان نامزدی بدون عقد، تمایل به دریافت مهریه‌های سنگین، بالا رفتن سن ازدواج و افزایش تنوع طلبی جنسی مردان و... می‌توان اشاره کرد. تغییراتی که در حوزه دینی در جامعه رخ داده، کاهش آموزه‌های دینی در خانواده، دوری خانواده از شریعت و کم رنگ شدن حریم‌های دینی در روابط خانوادگی است. ابعاد منفی یا استفاده زیان‌آور و نامطلوب از اینترنت، از آنجا گسترش می‌یابد که کنترل‌های رایج در مورد رسانه که به طور معمول صورت می‌گیرد، در مورد اینترنت مؤثر نیست. در خصوص استفاده از رسانه‌ها، نظارت در سطوح فردی، خانوادگی، گروهی و در سطح دولت به صورت منفرد یا ترکیبی صورت می‌گیرد. در مورد بهره‌مندی از اینترنت، این نظارت‌ها یا امکان ندارد و یا به قدر کافی کاربرد ندارد. در نتیجه، مشکل آسیب‌های اخلاقی اینترنت، ابعاد با اهمیتی پیدا می‌کند (جمعی از نویسندگان، جسارت‌های در اخلاق کاربردی، ۱۳۹۰: ص).

نتیجه‌گیری

از مهمترین وظایف والدین در عصر جدید و مدرنیته تربیت فرزندان صالح و شایسته است و برآورده شدن این امر مهم و خطیر آمال و آرزوی هر انسانی است. اسلام به عنوان کاملترین دین الهی خانواده را مناسب ترین جایگاه برای رفع نیازهای مادی و معنوی انسانها می‌داند، خانواده باید کانونی برای تامین امنیت و آرامش روانی و پرورش نسلی سخت کوش، انقلابی، دین دار و آرمان طلب قرار گیرد.

در برخی از موارد ادعا شده زندگی مدرنیته برای راحتی و رفاه بشری بوجود آمده است. اما با وجود فوایدی که دارد، تهدیدی نیز برای بشریت است که این مقاله به آسیب های زندگی مدرنیته در تربیت فرزند پرداخته است و این آسیب ها را در هفت بعد تربیت اخلاقی، تربیت اعتقادی، تربیت عاطفی، تربیت جسمی، تربیت عقلی و شناختی، تربیت مهارتی، و تربیت اجتماعی مورد بررسی قرار داده است.

امید است که شناخت آسیب ها و شیوه مواجهه با آنها باعث اتخاذ تصمیمات لازم جهت جلوگیری از آثار منفی زندگی مدرنیته در تربیت فرزند گردد. در پایان راه کارهای علمی و عملی در مواجهه با مشکلات عدیده زندگی مدرن در تربیت فرزند بیان می‌گردد: ضرورت رجوع به سبک زندگی ایرانی اسلامی با محوریت قرآن و اهل بیت (علیه السلام) به عنوان جامع برای همه آحاد بشریت.

آگاه سازی مردم از ترندهای دشمنان قسم خورده برای تضعیف روحیه جوانان و فرزندان این سرزمین اسلامی، به عنوان مدد و مدگرایی و ترویج کالاها و خدمات گمراه کننده و ارزان قیمت.

لزوم آگاهی و آشنایی والدین و مسئولین با روشهای نوین این نوع زندگی و تجهیز خود به روشهای نوین پاسخگویی جهت برطرف کردن خلاء های احتمالی و قطعی. تقویت برنامه های مدون فرهنگی از طریق نمایشگاه و جشنواره های علمی، ادبی، هنری و نمایشی با رویکرد آسیب شناسی مدرنیته و آسیب زدایی آن در تربیت فرزند.

ایجاد مراکز تفریحی مناسب با اصول اسلامی ایرانی در جهت ایجاد شادی و نشاط در جامعه و دوری فرزندان از ابزارهای مدرنیته.

ایجاد مراکز مشاوره در جهت راهنمایی فرزندان و خانواده‌ها به جهت پیشگیری از آسیب‌های زندگی مدرنیته.

نهادینه کردن نگرش ایرانی اسلامی در فرآیند آسیب‌زدایی تربیتی فرزندان در مقطع حساس کنونی با رویکرد همکاری آموزش و پرورش، مسجد محله و خانواده.

فهرست منابع

۱. آتش پور، سید حمید، «واقعیت‌هایی برای خانواده، راهنمای عملی برای خانواده»، چ ۲، نشر پرسش، آبادان، ۱۳۸۹.
۲. امین نصرت، بیگم، «اخلاق و راه سعادت»، چ ۳، گلبهار، اصفهان، ۱۳۸۴.
۳. احمدی، احمد، «روانشناسی نوجوانان و جوانان»، رودکی تهران، ۱۳۶۹.
۴. جمعی از نویسندگان زیر نظر علیزاده مهدی، «اخلاق اسلامی، مبانی و مفاهیم»، دانشگاه معارف، قم، ۱۳۹۰.
۵. جوکار، محبوبه، «گذری کوتاه بر تاثیر مدرنیسم بر خانواده»، پژوهشگاه حضرت معصومه (س). ۱۳۹۱. حسینی ادیانی، سید ابوالحسن، «آشنایی با نظام تربیتی اسلام»، چ ۴، قم، ۱۳۹۸.
۶. رهنمایی، سید احمد، «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی»، چ ۱، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی «ره»، قم، ۱۳۹۶.
۷. زرین، علیرضا، «افسردگی ارمغان دنیای مدرن»، فرهنگ سدید، کد خبر ۶۳۱۵، ۱۴۰۰.
۸. ساسانی، ماهرخ، «راهنمایی و مشاوره در نهج البلاغه»، کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.

۹. فرهادیان، رضا، «مبانی تعلیم و تربیت در قرآن واحادیث»، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۸.
۱۰. قرائتی، محسن، «دقایقی با قرآن»، چ ۳، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران، ۱۳۹۲.
۱۱. قائمی، علی، «تربیت و بازسازی کودکان»، چ ۱، دانش اسلامی، تهران، ۱۳۶۲.
۱۲. کلاهدوز، مجید، «درمان چاقی»، چ ۳، دانشگاه علوم پزشکی، اصفهان، ۱۳۸۷.
۱۳. مطهری، مرتضی، «ده گفتار»، چ ۲۸، صدرا، قم، ۱۳۸۸.
۱۴. مطهری، مرتضی، «مجموعه آثار»، چ ۷، صدرا، قم، ۱۳۷۶.
۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی، «اخلاق در قرآن»، چ ۱، موسسه امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۱.
۱۶. نهاوندی علی اکبر، «خزینة الجواهر فی زینة المنابر»، چ ۱، وفایی، قم، ۱۳۸۱.